

زمین ارثیه ماست

علیرضا وکیل‌اگاهی در نگاه نخست، جامعه، مغلوب زورگویی و ظلم به نظر می‌رسد و حق، در گوشه‌ای رها شده است. اما قرآن کریم با نگاهی عمیق‌تر، به ما نوید می‌دهد که پایان کار مستضعفان مؤمن، به‌دست آوردن پرچم رهبری و حکومت بر زمین است. خداوند در سوره قصص، آیه ۵ می‌فرماید: «وَتُؤَدُّنَ ثَمُنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلُهُمْ أُتْبَعَهُ وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» و می‌خواهیم بر کسانی که در زمین ناتوان و تحقیر شده بودند، منت بگذاریم و آنان را پیشوایان قرار دهیم و آنان را وارثان [زمین] گردانیم.»

پیام کلیدی این آیه، بیان سنتی الهی در تغییر قدرت به نفع مستضعفان پاک‌دامن است. خداوند قصد دارد کسانی را که در ظاهر ناتوان و تحت فشارند، به دلیل صبر و ایمانشان، به رهبران جهان و وارثان زمین تبدیل کند. این وعده، دقیقاً تحقق مأموریت حضرت مهدی ^(عج) و یاران اوست. در زندگی روزمره، این مطلب به ما امید می‌دهد که اگر در مسیر حق، تحت فشار یا تحقیر قرار گرفتیم، نباید ناامید شویم؛ زیرا خداوند براساس این قانون الهی، قرار است جایگاه ما را ارتقا دهد. همان‌طور که یک بذر کوچک و ناچیز در زیر خاک، در سایه مراقبت و زمان، به درختی تنومند و میوه‌ده تبدیل می‌شود که سایه‌اش بر سر همه است، مؤمنان مقاوم نیز به پیشوایان تاریخ تبدیل می‌شوند. امام صادق ^(ع) در تبیین جایگاه این یاران می‌فرماید: «إِنَّ مَنَا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّنَا» ^(۱) «يَلْفُؤُهُ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِثَتْ فُلُومًا وَ جُورًا» قائم ما اهل بیت پیامبر^(ص) زمین را پر از قسط و عدل می‌کند، همان‌گونه که از ظلم و جور، پر شده بود.»

مشاوره

اقتصاد خانواده بر مدار ایمان و عقل

محمّدجواد علیپورا در منطق اسلام، خرج کردن یک رفتار اقتصادی صرف نیست، بلکه جلوه‌ای از ایمان و تعادل عقلایی است. قرآن کریم در آیه ۶۷ سوره فرقان، شاخصی روشن ارائه می‌دهد، «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»، به این معنا که مؤمنان نه اسراف می‌کنند و نه سخت‌گیرند، بلکه راه تعادل را می‌پیمایند. این اصل، پایه تمام تصمیم‌های مالی مسلمانان است.

سؤال: در موضوع اولویت بندی خرج‌ها، معیارهای شرعی و عقلایی برای پس انداز، صدقه و رفاه خانواده، چگونه تنظیم شود؟

نخستین اولویت در مصرف، تأمین نیازهای ضروری خانواده است. پیامبر اکرم ^(ص) فرمودند: «كُنْ بِالْفَرِهِ إِثْمًا أَنْ يُضَيِّعَ مِنْ يَعُولٍ» برای گناهکار بودن انسان، همین بس که کسانی را که نفقه‌شان بر او واجب است، به سختی اندازد.»

بر این اساس، نفقه همسر و فرزندان، واجب شرعی است و پیش از هر صدقه و پس اندازی، باید رفاه پایه‌ای آن‌ها اعم از خوراک، پوشاک، مسکن و آموزش تأمین شود.

پس از تأمین واجبات، نوبت به پس انداز عاقلانه می‌رسد. قرآن کریم می‌آموزد که انسان باید از آینده غافل نباشد: «حُضْرَتُ یُوسُفَ ^(ع) مردم مصر را به ذخیره‌سازی بخشی از محصول در سال‌های فراوانی توصیه کرد.» (یوسف، ۴۷). پس انداز نه از ترس، بلکه برای پایداری در برابر تغییرات زندگی است. معیارش اعتدال است؛ پس اندازی که مانع بخشش یا رفاه درست شود، نشانه دنیاپرستی است، نه عقلانیت.

در مرحله بعد، انفاق و صدقه قرار دارد که روح مال و روان انسان را تطهیر می‌کند: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» (توبه، ۱۰۳) اسلام، صدقه را در کنار عبادت‌های بزرگ آورده است تا حس همدلی و عدالت حفظ شود. اما روایات توصیه می‌کنند انفاق، بی‌آنکه خانواده در تنگنا افتد، انجام شود؛ امام صادق ^(ع)، «إِذَا بَيْنَ تَمُولُ ثَمَّ بِالْأَقْرَبِ وَالْأَقْرَبِ» بنا براین، ترتیب عقلایی و شرعی در خرج‌ها چنین است:

واجبات مالی؛

نفقه خانواده، بدهی‌ها و حقوق دیگران؛

نیازهای رشد و امنیت خانواده؛

آموزش، سلامت، مسکن؛

پس انداز معتدل برای آینده‌امن؛

صدقه و انفاق به اندازه گشایش.

در جمع‌بندی، نگاه دینی به اقتصاد خانواده، نگاهی متعادل و مسئولانه است؛ خرج باید ابزار رشد معنوی و آرامش خانوادگی باشد. نه رقابت و تشریفات. ایمان، عقل و تدبیر سه پایه تصمیم اقتصادی سالم‌اند.

سیره بزرگان

شیوه خاص آیت‌الله مرعشی نجفی

در بیدار کردن پدر



احمد عدالتیان! احترام به والدین یکی از موضوعاتی است که همه درباره اهمیت آن، می‌دانیم و داستان‌های زیادی درباره رفتار بزرگان دین، از ائمه معصوم ^(ع) تا علما، در تاریخ اسلام با پدر و مادرهایشان شنیده‌ایم. این احترام تا حدی مهم است که بنابر آیه صریح قرآن: «فَلَا تَقُلْ لِلْهَؤُلَاءِ وَلَا تَهْزُؤْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا كَرِيمًا» به آنان آف مگوی و بر آنان [بانگ مزین و] پرخاش مکن و به آنان، سخنی نرم و شایسته [و بزرگواران] بگو.» (اسراء، ۲۳) حتی نباید برای لحظه‌ای به اندازه «اف گفتن» هم با پدر و مادر بد رفتاری کرد.

آیت الله مرعشی نجفی، از علمای معاصر کشورمان، که در دهه ۶۰ به رحمت ایزدی پیوست، احترام خاصی برای والدینش قائل بود، تا حدی که درباره خودش می‌گفت: «وقتی مادرم مرا می‌فرستاد تا پدرم را برای خوردن غذا صدا کنم، بعضی وقت‌ها می‌دیدم پدر به خاطر خستگی، در حال مطالعه خوابش برده است. دلم نمی‌آمد ایشان را بیدار کنم؛ همان‌طور که ایشان دراز بود، صورت خود را به کف پای پدرم می‌مالیدم تا ایشان بیدار می‌شد. در این حال که بیدار می‌شد، برایم دعا می‌کرد و عاقبت به خیری می‌خواست. من خیلی از توفیقاتم را از دعای پدر و مادر دارم.»

بررسی برخی ریشه‌های انتظار برای حضرت مهدی ^(عج)

یک امید زنده، نه یک رؤیای دور

سمانه رضوانی! در جهانی آینده از بی‌عدالتی، جنگ و سرگردانی، قلب بشر همواره در آرزوی روزی می‌تپد که نجات‌بخش بیاید و زمین را از نور عدالت و معنویت سرشار کند. در باور و اعتقاد ما شیعیان، این نجات‌بخش، کسی نیست جز حضرت مهدی ^(عج)، آخرین امام و منجی موعود. اما چرا ما با تمام وجود در انتظار او هستیم؟ پاسخ تنها در یک آینده روشن نیست، بلکه در عمیق‌ترین نیازهای فطری و منطقی آفرینش ما ریشه دارد.



زنده نگه‌داشتن اصل مسئولیت‌پذیری

انتظار حضرت مهدی ^(عج)، به هیچ وجه به معنای نشستن و دست روی دست گذاشتن نیست. برعکس، انتظار سازنده، یک وظیفه و مسئولیت بزرگ است. ما منتظریم، پس باید خود را برای ظهور و حکومت جهانی او آماده کنیم. این آماده‌سازی یعنی تلاش برای اصلاح خود (اخلاق، ایمان، دانش)، اصلاح جامعه (تلاش برای گسترش نیکی‌ها و مقابله با ظلم در حد توان) و ایجاد بسترهای فکری و فرهنگی برای پذیرش آن حکومت جهانی. انتظار، موتور محرک ما برای حرکت به سمت بهتر شدن است.

کامل شدن دین و هدف آفرینش

خداوند، انسان را برای رسیدن به کمال آفریده است. دین اسلام، کامل‌ترین برنامه برای این سیر تکاملی است. اما تحقق کامل و همه‌جانبه این برنامه در سطح جامعه جهانی، نیازمند یک رهبر الهی معصوم است که هم علم لدنی داشته باشد و هم قدرت اجرایی بی‌مانند. ما منتظر امام مهدی ^(عج) هستیم؛ زیرا او آخرین حلقه هدایت الهی است که می‌آید تا دین خدا را به‌طور کامل و بدون کوچک‌ترین تحریفی، در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها جاری کند. ظهور او، نقطه‌اوج و مقصد نهایی ارسال پیامبران و نزول کتاب‌های آسمانی است.

انتظار پاسخ به فطرت عدالت‌خواه انسان

به‌طور طبیعی موجودات عدالت‌طلبی هستیم. در عمق وجود ما، از ظلم و تبعیض بیزاریم و جهانی سرشار از انصاف و برابری را آرزو می‌کنیم. اما تاریخ بشر، همواره شاهد ظلم‌های کوچک و بزرگ بوده است. انتظار حضرت حجت ^(عج)، درواقع تعبیر از همین ندای فطری است. ما منتظریم؛ زیرا به وعده خداوند ایمان داریم که مهدی موعود ^(عج) روزی خواهد آمد و به دست مبارک او، عدل الهی در سراسر عالم، حاکم خواهد شد؛ همان‌گونه که امروز از جور و ستم پر شده است. این انتظار، به زندگی ما معنا و امید می‌بخشد.

او معنای زندگی است

ما منتظر حضرت مهدی ^(عج) هستیم؛ چون این انتظار، تلفیقی از عقل، فطرت، ایمان و عشق است. این انتظار، به زندگی ما جهت می‌دهد، از یأس و پوچی نجاتمان می‌دهد، مسئولیت‌پذیرمان می‌کند و پیوند ما را با منبع لایزال رحمت الهی، استوار می‌سازد. انتظار، خود یک «عبادت بزرگ» و زمینه‌ساز تحولی عظیم در درون و بیرون ماست.

پیوند با منجی غایب و منبع برکت

بر اساس باورهای شیعه، وجود مقدس امام مهدی ^(عج) حتی در دوران غیبت، قلب عالم هستی و منبع فیض و برکت برای زمین و ساکنان آن است. انتظار او، تنها چشم به راه بودن برای یک رویداد آینده نیست، بلکه برقراری یک رابطه قلبی و معنوی با محبوب غایب است. این ارتباط از طریق دعا برای فرج او، عمل به وظایف دینی، توسل به او در مشکلات و یادآوری دائمی‌اش در زندگی روزمره ایجاد می‌شود. این پیوند، نور امید و آرامش را در دل‌های مؤمنان زنده نگه می‌دارد.

اعتراف به ناتوانی بشر و نیاز به یاری غیبی

تاریخ نشان داده است که انسان به تنهایی و حتی با پیشرفت‌های مادی خیره‌کننده، نتوانسته است مشکلات اساسی خود مانند جنگ، فقر، فساد اخلاقی و بحران معنویت را اساسی حل کند. انتظار امام زمان ^(عج)، درواقع اعتراف خردمندانه به این ناتوانی و اعلام نیاز به یاری ویژه الهی است. ما منتظریم چون باور داریم که حل معضلات جهانی، نیازمند یک مدیر مدبر و معصوم است.

شبی که خورشید را می‌خواند



حیات‌الاسلام و المسلمین
فصل هفتم
در بیان احوال و احوال

امام صادق ^(ع) روایت می‌کنند که «وقتی عذاب و رنج بر بنی اسرائیل به طول انجامید و طاقت‌هایشان به سر آمد، هم صدا شدند و چهل صحاباگان، بادل و جان، نزد خداوند ضجه زدند و گریستند و فریاد نجات سر دادند. آن‌گاه بود که فرمان راهبی، نازل شد و خداوند به موسی و هارون وحی کرد تا آنان را از چنگال فرعون برهانند.» نکته شگفت‌انگیز اینجاست: «فَعَفَّ عَنْهُمْ سَبْعِينَ وَ مِائَةً سَنَةً» با این دعاهای پرشور و جمعی، خداوند ۱۷۰ سال از دوران عذاب آنان کاست و ظهور نجات‌دهنده‌شان را پیش انداخت.

سپس امام صادق ^(ع) خطاب را به ما و روزگار ما برمی‌گردانند و بیدارگرانه به شیعیان خودشان می‌فرمایند: «هَكَذَا أَنْتُمْ... اگر شما هم این‌گونه عمل کنید، خداوند فرجش را برای ما نزدیک می‌کند و اگر این‌گونه نباشد، ظهور صاحب‌الامر تا روزی که امکانش باشد،

به طول خواهد انجامید.» و اما هشدار حضرت، عمق مسئولیت ما را نشان می‌دهد: «فَمَا أَذَلِمَ تَكُونُوا فَنَ الْأَمْرِ بِنَهْيِهِ أَلِيَّ مِنْتَهُاه»؛ اگر شما چنین نکنید، ظهور به انتهای طبیعی و طولانی خود خواهد رسید، یعنی زمان ظهور، به عملکرد ما وابسته است. انتظار، کاری پویا و تأثیرگذار است. انتظار واقعی، آن نیست که دست روی دست بگذاریم، انتظار واقعی، فریاد زدن «ایا صبح نزدیک نیست» از اعماق تاریکی‌هاست، آن هم با عملی که نشان دهد جانمان برای آن صبح، بی‌تاب است. پس بیایید در این شب به‌درازا کشیده، فقط منتظر نشینیم. بیایید با یاد او، زندگی را معنایی دوباره ببخشیم. بیایید با اخلاق منتظرانه، خود و جامعه‌مان را برای آن طلوع، آماده کنیم و بالاتر از همه، با دعا و تضرع و گریه‌های عاشقانه، فاصله‌ها را کوتاه‌تر کنیم. شاید این ضجه‌های جمعی ما، سال‌هایی از انتظار بکاهد و طلوع خورشید عدالت را نزدیک‌تر و نزدیک‌تر کند؛ زیرا خداوند، ندای قلب‌های بی‌قرار را هرگز بی‌پاسخ نمی‌گذارد.

درنگ

این روزها یاد کردن امام زمان ^(عج)، معنا و طعم دیگری پیدا کرده است. این روزها، یاد امام زمان ^(عج)، دیگر تنها یک اعتقاد مذهبی یا یک رفتار ایمانی نیست؛ این یاد، نفس زدن زمینی خشک در انتظار باران است. ضربان قلب تاریخی است که در سینه‌اش، طنین قدم‌های نجات را می‌شنود. طعم این انتظار، دیگر شیرینی محض نیست؛ آمیزه‌ای است از تلخی اشک و فراق و شیرینی امید دیدار. هرچه بیشتر در گرداب رویدادهای آخرالزمانی فرو می‌رویم، هرچه فساد و تباهی دنیا داران، عریان‌تر و پرده‌درانه‌تر خود را به نمایش می‌گذارد، فریاد درونی بشر برای یک منجی، رساتر می‌شود. گویا روزگار سرگشته، خود، ناخودآگاه، نام «مهدی»، را زمزمه می‌کند و جهان، بی‌خبر از حقیقت خویش، در جست و جوی آن خورشید پنهان، دست و پا می‌زند. ما در عصری زندگی می‌کنیم که خورشید هادیت، پشت ابرهای ظلمت فتنه‌ها و رنگ دنیا طلبی‌ها پنهان شده است. این، همان شبی است که به درازا کشیده و تاریکی‌اش، همه جا را فرا گرفته است. اما در همین تاریک‌ترین لحظات شب است که